

گاه‌شمار در

جزیره قشم*

مردم قشم سال را از نظر هوا به دو بخش تقسیم می‌کنند: الف - دوره سرما که شامل ماه‌های آذر، دی، بهمن و اسفند است. ب - دوره گرما که ماه‌های فروردین، اردی‌بهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر و آبان را در بر می‌گیرد.

بر این قرار، دوره گرما طولانی و هشت ماه و زمان سرما کوتاه و چهار ماه است.^۱
در قشم هر سال چهار فصل و ۳۶۵ روز است. ۳۶۵ روز را به ۳۶/۵ بخش ده‌دهی تقسیم می‌کنند و هر ده روز را «میهن» meyhon می‌نامند.^۲ سال از ششم مرداد و با فصل «شهریما» Šahrimā یعنی پاییز، آغاز و به پنجم مرداد در فصل «گرما» که تابستان محلی است پایان می‌یابد.^۳ سه فصل «شهریما»، «دمستون»^۴ demeston (= زمستان) و «جووا» Juvā (= بهار)، هر کدام از ده دهه یعنی سه ماه سی‌روزه و یک بخش ده‌روزه تشکیل می‌شوند. اما فصل «گرما» (= تابستان) شش دهه و یک بخش پنج‌روزه یعنی دو ماه و پنج روز است.^۵
جدول زیر تقویم محلی قشم را مشخص‌تر می‌نماید:

تقویم محلی قشم

فصل‌ها	مدت و تقسیمات ده‌دهی
شهریما Šahrimā = پاییز (صد روز)	ششم مرداد تا چهارم شهریور = ۳۰ روز = دهی، بیسی، سیی پنجم شهریور تا سوم مهر = ۳۰ روز = چلی، پنجایی، شصتی چهارم مهر تا سوم آبان = ۳۰ روز = هفتادی، هشتادی، نودی چهارم آبان تا سیزدهم آبان = ۱۰ روز = صدی

تقویم محلی قشم

مدت و تقسیمات دهدهی	فصل‌ها
<p>چهاردهم آبان تا سیزدهم آذر = ۳۰ روز = دهی، بیسی، سیی چهاردهم آذر تا سیزدهم دی = ۳۰ روز = چلی، پنجایی، شصتی چهاردهم دی تا سیزدهم بهمن = ۳۰ روز = هفتادی، هشتادی، نودی چهاردهم بهمن تا بیست و سوم بهمن = ۱۰ روز = صدی</p>	<p>دمستون demeston = زستان (صد روز)</p>
<p>بیست و چهارم بهمن تا بیست و سوم اسفند = ۳۰ روز = دهی، بیسی، سیی بیست و چهارم اسفند تا بیست و چهارم فروردین = ۳۰ روز = چلی، پنجایی، شصتی بیست و پنجم فروردین تا بیست و سوم اردیبهشت = ۳۰ روز = هفتادی، هشتادی، نودی بیست و چهارم اردیبهشت تا دوم خرداد = ۱۰ روز = صدی</p>	<p>جوا Juvā = بهار (صد روز)</p>
<p>سوم خرداد تا یکم تیر = ۳۰ روز = دهی، بیسی، سیی دوم تیر تا سی و یکم تیر = ۳۰ روز = چلی، پنجایی، شصتی یکم مرداد تا پنجم مرداد = ۵ روز = شصت و پنج</p>	<p>گرما garmā = تابستان (۶۵ روز)</p>

هر فصل از شصتم رو به زوال می‌رود و زورش می‌شکند و از هفتاد دیگر برمی‌افتد:

شصت و نشست šast-o nešast

هفتاد برافتاد haftād bar oftād

«شهریما» فصل کار و خلوت شدن شهرهاست و «جوا» هنگام پیدا شدن رطب و فراوانی مگس. هنگامی که زنبور سرخ پیدا شود، زمان خرماست و آمدن «سوری» Suri (= زنبور زرد) نشانهٔ فرارسیدن تابستان است. «سوری» معمولاً به دنبال جهله Jahle* (= کوزهٔ آب) است و در اطراف آن پرسه می‌زند.

اگر در شهریما - و در مرداد - ماهی «کاشغ» Kāšay که ماهی ریزی است، زیاد باشد، آن سال ماهیان دریا فراوان خواهند بود. در همین فصل - در مهر و آبان - اگر «نمریز» nemriz (= شبنم، هوای نم‌دار) باشد، آن سال، سالی کم‌باران است و محصول اندک. و اما اگر هوا «نعشی»** و خشک باشد سالی بارانی و پرمحصول در پی خواهد بود.

در غروب روز پنجم یعنی شب ششم مرداد که آغاز سال جدید است، از آب، جو و خرما هر کدام به مقدار «یک قیاس» معادل ۱ چارک در ظرف‌های جداگانه می‌ریزند و در حیاط خانه و در فضای باز می‌گذارند. فردا اول صبح هر یک را جداگانه وزن می‌کنند. افزایش وزن هر کدام نشانهٔ وفور آنها و کاهش وزن آنها علامت نقصان و کمبودشان در آن سال است. چنان که اگر وزن آب

کم شده باشد، سالی خشک و کم باران قرار خواهد بود. آغاز فصل «شهریما»، نوروز صیادان و بازاریان است که آن را جشن می‌گیرند و برای خود برنج و گوشت می‌پزند و به میمنت سال نو می‌خورند. در قشم از ماه‌های شمسی در امور اداری و رسمی استفاده می‌شود. ماه‌های قمری در نزد مردم حرمتی ویژه دارند و اغلب آنها به نامی خاص و محلی موسومند. مردم بسیاری از امور زندگی خود را بر مبنای این ماه‌ها تنظیم و تنسیق می‌کنند.

ماه‌های قمری:

- ۱ - مُحَرَّم
- ۲ - صفر
- ۳ - بُرَازِ اوَّل (برادر اوَّل) = ربیع الاوَّل
- ۴ - دو بُرَاز (دو برادر) = ربیع الثانی
- ۵ - سه بُرَاز (سه برادر) = جمادی الاوَّل = چهار برادر
- ۶ - چار بُرَاز (چهار برادر) = جمادی الثانی
- ۷ - رجب
- ۸ - «دو دو» dōdō یا ماهی که با شتاب می‌گذرد. = شعبان
- ۹ - رمضان
- ۱۰ - عید کوچک، ماهی که عید فطر با آن آغاز می‌شود = شوآل
- ۱۱ - میان عیدون (بین دو عید فطر و قربان) = ذیقعدہ
- ۱۲ - عید «گپ» gāp (عید بزرگ، عید قربان) = ذیحجه

تقسیم بندی شب و روز:

- ۱ - «صُحْب» sohḥ: صبح
- ۲ - چاشت: بعد از صبحانه، حدود ساعت $\frac{1}{4}$ تا ۹ تا ۱۰ صبح.
- ۳ - «زَوَالِ رُوز» zavāleruz یا «عَلِ غَلَاتِ رُوز» galgelāteruz (= سختی روز): قبل از ظُهر.
- ۴ - پیشین: ظُهر حدود ساعت ۱۲ تا حدود $\frac{1}{4}$ ۲.
- ۵ - میون دو نمازون: بین دو نماز ظُهر و عصر.
- ۶ - پسین: عصر، از اذان عصر تا حدود یک ساعت به غروب.
- ۷ - پسین تنگ: نزدیک غروب، غروبگاه.
- ۸ - «زرده روز» zardaruz: آفتاب زرد.
- ۹ - «شوم» šom: غروب. اذان مغرب و نزول آفتاب.
- ۱۰ - «خافتن» xāftan: بعد از اذان و نماز عشا، هنگام خوابیدن.

۱۱ - ورغان: شب، دیروقت، دیرگاه که تاریکی همه جا را فرا گرفته و هیچکس از خانه بیرون

نمی‌رود.

۱۲ - «نصف شو» nesfešo: نصف شب.

۱۳ - خداییدار: از ساعت ۱۲ تا نزدیک $2\frac{1}{4}$ الی ۳ بامداد.

۱۴ - سحر: نزدیک صبح.

۱۵ - «شیفک» šefak: شفق.

۱۶ - «گاهگمون» gāhgomon: پیش از صبحانه.



یادداشت‌ها:

۱. در ایران کهن، سال به دو فصل تابستان hama و زمستان zayana تقسیم می‌شده که نوروز جشن آغاز تابستان و مهرگان جشن آغاز زمستان بوده است. (یشت‌ها، پورداود جلد ۱ ص ۳۹۷). در دوره‌ای سال به شش ماه تابستان و شش ماه زمستان منقسم بوده است. (فرهنگ ایران باستان، پورداود، ص ۶۵). در یسنا ۱۶ فقره ۱۰ (یسنا، پورداود، ج ۱، ص ۱۹۵) و یسنا ۶۵ فقره ۵ فقط از دو فصل تابستان و زمستان نام به میان می‌آید. (یسنا، پورداود، ج ۲، ص ۹۰) و در آبان یشت فقره ۵ نیز تنها از دو فصل زمستان و تابستان یاد می‌شود. (یشت، ج ۱، ص ۲۳۵) در بخش نهم بندش از فروردین ماه به نام ماه آغازین تابستان یاد می‌شود و در بخش دهم آن تابستان هفت ماه و زمستان پنج ماه است که تابستان «از فروردین روز هرمزدهیگی» شروع و به «ماه سپندارندبهیگی که پنجه بر پایان (آن) است» پایان می‌پذیرد. (بندش، مهرداد بهار، صص ۸۰ و ۱۰۵). در تقویم بومی قشم دوره سرما چهار ماه و زمان گرما هشت ماه است و از این رو شروع فصل سرما و پایان فصل گرما با تقسیمات فوق متفاوت است. شاید اختلاف در تعداد ماه‌های هر فصل و نیز تفاوت آغاز و پایان زمستان و تابستان به دلیل موقعیت‌های متفاوت جغرافیایی باشد.

۲. چینی‌ها نیز در تقویم خود، سال را به دوازده ماه و هر ماه را به سه ده روز تقسیم می‌کردند. (اساطیر ملل آسیایی، ترجمه محمود مصور رحمانی، ص ۸۹). در مصر کهن هم سال ۳۶۰ روز (۳۶ عشره) بود که بعد ۵ روز بر آن افزوده‌اند. (مقالات نفی‌زاده، ج دهم، ص ۹۱).

۳. «در ایران قدیم، پیش از نفوذ تقویم دینی، سال با فصل پاییز شروع می‌شده و آغاز پاییز که شروع سرماست، اوّل سال و نوروز بوده است. (خرده اوستا، پورداد، ص ۲۰۵). سال یهودی (سریانی) هم از پاییز آغاز می‌شود (فونگ معین، ذیل ماه) زیرا که آذار ماه ششم آن برابر است با فوریه - مارس میلادی. (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج اول، ذیل آذار). همچنین سال عربی از زمستان شروع می‌شود، چون که ماه سوم آن (= آذار) برابر با مارس میلادی است. (ماخذ پیشین، ذیل آذار).

۴. دمستون = دمستان واژه پهلوی = زمستان. (خرده اوستا، پورداد، ص ۲۱۳).

۵. مصریان کهن بر اساس طغیان نیل که زمینشان را حاصلخیز می‌کرد و هر سال نیز تجدید می‌شد، فصل‌هایشان را مشخص می‌کردند. سال از نظر مصریان به سه فصل چهارماهه «طغیان» (ژوئیه تا اکتبر)، «بذرافشانی» (نوامبر تا فوریه) و «برداشت محصول» (مارس تا ژوئن) تقسیم می‌شد. «سال نیلی» شامل ۱۲ ماه سی‌روزه بود که بعد پنج روز به عنوان سالروز تولد پنج خدای بزرگ مصر «اوزیریس»، «ایزیس»، «ست»، «نفتیس» و «حورس» بر آن افزودند. (الموسوعة المصرية، المجلد الاول الجزء الاول ص ۱۸۲) در تقسیم محلی قشم آغاز سال برابر است با شروع تابستان تقویم رسمی که با شروع سال مصری از نظر آب و هوایی شباهت دارد. افزون بر این ماه در گاه‌شماری قشم نیز سی روز است. در تقویم‌های محلی مناطق دیگر ایران مانند لرستان و ایلام نیز سال ۱۲ ماه سی‌روزه است که پنج روز کسری سال (پنجه) را بر سال می‌افزایند تا ۳۶۵ روز شود.

* بخشی از کتاب دانش عامه در جزیره قشم آماده چاپ.

* جهله: نوعی کوزه سفالی بزرگ و گرد.

* نمشی: بادی که از سمت مشرق می‌وزد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی